

## کارهای عثمان

امیر المؤمنین علی علیه السلام در خطبه شششنبه که عدم رضایت خود را از سه خلیفه قبل از خود ذکر میفرماید چون بعثمان میرسد می نشیند و برمیخیزد آنگاه میفرماید: سومی مانند شتریکه از بسیاری خوردن و آشامیدن باد کرده باشد با دوپهلوی بر باد مقام خلافت را اشغال کرد، خویشان و فرزندان پدرش در خوردن و بردن بیت المال با او همدست شدند و بنی امیه مال خدا را چونان که شتر با اشتهای تمام گیاه بهاری را بخورد میخورند تا آنجا که ریسمان تابیده او باز شد و رفتارش باعث سرعت در قتل او گردید و ببری شکم او را بر و انداخت.

علی علیه السلام در روز دوم بیعتش نیز در خطبه ای فرمود هر قطعه زمینی که عثمان از مردم گرفته و یا هر مالیکه بین مردم از مال خدا داده باید به بیت المال برگردد اگر چه با آن اموال مهریه زنان داده شده باشد و یا در شهرها پراکنده باشد زیرا عمل عثمان حق قدیم را باطل نمی کند (الفدیر جلد ۹ صفحه ۳۱۵) صاحب صواعق المحرقة و تاریخ خلفاء می نویسد که در جنگ جمل علی علیه السلام فرمود: خدایا تو شاهدی که من از قتل عثمان و کشتن گان او ببری هستم و روزیکه خبر قتل عثمان بمن رسید از خود بیخود شدم و چون برای بیعت، مردم بمن روی آوردند خجالت کشیدم در حالیکه جنازه عثمان بغاک و خون آغشته است دست برای بیعت دراز کنم (قضاوت بین این دو نظریه با اولی الباب است) ابی ذر غفاری، محمد بن ابی بکر و عمر بن حمو خزاعی و جمعی دیگر از صحابه نیز با عثمان مخالف بودند و در آینده از آنان بحث خواهد شد.

**اولیات عثمان:** عثمان اولین خلیفه ایست که حقوق ماهیانه برای مؤذنین قرار داد و اولین خلیفه ایست که خطبه را در عیدین قبل از نماز خواند برخلاف رسول خدا و شیخین عثمان اولین کسی است که در نماز، آهسته تکبیر گفت و اولین خلیفه ایست که بتأسیس

شهر بانی پرداخت و اولین کسی است که در مسجد مقصوره ساخت تا چون عمر آسیب نه بیند (غافل از اینکه در خانه خویش کشته خواهد شد) .

**جمع آوری قرآن :** میگویند: عثمان اولین کسی است که قرآن را جمع و مردم را به پیروی از قرآن زید بن ثابت وادار کرد .

چون در جنگ یمامه هفتمصد قاری قرآن کشته شده بود عمر بن خطاب بدستور ابی بکر همه سور و جزوات پراکنده قرآن را که نزد اصحاب بود جمع آوری نمود لیکن در زمان خلافت عثمان که قراء در قرائتهای قرآن اختلاف کردند و هر کدام قرائت دیگری را باطل میدانستند حدیفه وعده دیگری در این بابت بعثمان نامه نوشتند عثمان هم دستورداد که همه مسلمین قرآن زید بن ثابت را که ابی بکر جمع کرده بود قرائت کنند و بدین جهت امر کرد که چهار قرآن از روی این نسخه بنویسند یک جلد در مکه و یک جلد در مدینه و یک جلد در شام و یک جلد در کوفه بگذارند و بقیه را هر که داشت یا بزور و یا با اختیار از او گرفته سوزانیدند مگر قرآن حضرت علی و عبدالله بن مسعود را لذا عایشه بعثمان لقب حراق المصاحف (سوزاننده قرآن) داد صاحب الغدیر می نویسد عبدالله بن مسعود میگفت چگونه ای عثمان قرآنم را تسلیم تو کنم و از قرآن زید بن ثابت متابعت نمایم و حال آنکه من هفتادسوره قرآن را از خود پیغمبر شنیدم هنگامیکه دهان زید بن ثابت بوی شیر میداد .

عثمان اولین خلیفه ایست که اذان دوم را در جمعه تشریح کرد و اولین کسی است که تأسیس زندان نمود (بعضی حضرت علی را مؤسس زندان میدانند) عثمان اولین خلیفه ایست که به پناهندگان ممالک دیگر پناه داد .

**عثمان و فتوا :** علمای عجمه میگویند در زمان پیغمبر چهار نفر فتوا میدادند ابی بکر عمر ، عثمان ، و علی ولی طبق مدارکی که در دست است عثمان جاهل با احکام بوده صلاحیت فتوا نداشت علامه در کشف الحق روایتی از صحیح مسلم نقل میکند که در خلافت عثمان زنی شش ماه پس از ازدواج وضع حمل کرد و عثمان بسنگسار امرداد و چون حضرت تعلی از واقعه خبردار شد بعثمان گفت مطابق آیه قرآن حداقل حمل شش ماه است زیرا در آیه ای خداوند میفرماید و حمل و فصاله ثلثون شهراً (حمل و شیردانش سی ماه بود) و در آیه دیگر میفرماید و الامهات یرضعن اولادهن حولین کاملین (مادران شیر میدهند فرزندان خود را دو سال تمام) بنا بر این حد اقل حمل شش ماه است چرا بر جم این زن بیچاره امردادی؟ عثمان غلام خود را برای جلو گیری از اجرای حد فرستاد ولی غلام وقتی رسید که زن سنگسار شده بود تعلی و رازی در تفسیر خود نوشته اند که عثمان گفت آیه ان هذان لسا حران غلط است بدو گفتند

چرا تصحیح نمیکنی؟ جواب داد چو در حلال خدا و حرام او تأثیر ندارد (بهار، جلد ۸) و نیز از عثمان پرسیدند که اگر کسی دو خواهر را بکنیزی داشته باشد آیا میتواند با هر دو جمع شود؟ گفت آری زیرا عدم جواز در عقد است عده ای از صحابه اعتراض کردند و گفتند جایز نیست زیرا آیه **و ان تجمعوا این الاختین** (حرام است که جمع بین دو خواهر کنید) فرقی بین عقد و ملک یمین نگذاشته است مردی گفت بحضرت علی گفتم دو نیز دارم که با هم خواهرند یکی از آن دو را حامله کرده ام و میل دارم با آن دیگری نیز مقاربت کنم حضرت در پاسخ فرمود باید آنرا که حمل دارد آزاد کنی تا بتوانی با خواهر دیگری جمع شوی و گرنه ترا عقاب خواهم کرد (الفدیر جلد ۸)

## مخالفت با شیخین

عثمان پس از جلوس بخلافت بکارهایی دست زد که بعضی از آنان حتی بارویه شیخین مخالف بود

**وسعت مسجد الحرام** : در سال ۲۶ هجری عثمان دستور داد خانه های اطراف مسجد الحرام را تخلیه کنند بعضی با اختیار تخلیه کردند و پول خود را گرفتند و خانه کسانی که حاضر بمعامله نشدند خراب کرد و پولش را هم نپرداخت و چون صاحبان خانه ها اعتراض کردند آنرا زندانی نمود و گفت این مردم از حرم من سوء استفاده میکنند و گرنه چرا در زمان عمر که همینکار انجام گرفت حرفی نزدند

**وسعت مسجد النبی** : عثمان مسجد مدینه را از طرف محراب بطول ۱۶۰ ذراع و بعرض ۱۵۰ وسعت داد و پدایهای سقف را از سنگ و سقف را از چوب عاج و بدنه را از سنگ و آجر بنا نهاد.

رسال جامع علوم انسانی

عثمان خون هرزه زن و جفیه و دختر و زن ابی لؤلؤ را از بین برد و عبیدالله بن عمر را (قاتل ابنعده) قصاص نکرد با آنکه هم عمر دستور داده بود هم خودش قبل از خلافت اصرار داشت و چون حضرت علی و عده ای از صحابه عثمان را بکشتن عبیدالله توصیه و اصرار کردند عثمان بسر منبر آمد و گفت من ولی خون هر زمان هستم و خون آنها را بکشنده شان عبیدالله بخاطر عمر بخشیدم مقداد بن عمرو از پای منبر برخاست و گفت هر زمان بنده خدا است و بتو نمیرسد که از قاتل او صرف نظر کنی و حکم خدا را تعطیل نمائی > بعضی از مورخین مینویسند که حضرت علی به عبیدالله گفت اگر بر تو دست یافتم قصاص خواهم کرد عثمان بمردم گفت شما در این باره فکر کنید منهم خواهم فکری نمود ولی فکرش این شد که عبیدالله را بکوفه فرستاد و او را در نزدیکی کوفه اقامت داد و اقامتگاه او بنام کوفه عبیدالله نامیده شد ←

## مبارزه با باطل

بطلان در لغت فساد و سقوط را گویند و باطل بمعنی ضد حق است و بطل بفتح باء و طاء بمعنی شجاع آمده که جمع آن ابطال و جمع باطل اباطیل میباشد و چون شیطان و ساحر طریق ضد حق را می یمایند بهمین جهت آنها را نیز باطل مینامند و حق بمعانی ضد باطل و یقین و عدل و موجود ثابت و حفظ و نصیب و مال و ملک و حزم و کار انجام شده و مرک استعمال میشود و خدا را از اینجهت که وجودش بالذات واجب و لدلی و ابدی است (حق) نامیده اند

(فرق بین ضد و نقیض) ضد امریست وجودی و هر گاه اختلاف و مبادینت بین دو چیز وجودی باشد مانند آب و آتش آن دو چیز را ضدان گویند اما اگر اختلاف بین دو چیز در وجود و عدم باشد مانند بردن و نبردن و زدن و نزدن، تناقض خواهد بود و بعضی عقیده دارند که بین مفردات تناقض نیست و استدلالشان این است که نفی و اثبات اگر در مفهوم باشد تناقض است و در مفردات نفی و اثبات باعتبار صدق بوده نه بحسب مفهوم مثلا اگر بگوئیم جمشید فلان متاع را برده و جمشید همان متاع را نبرده اینجا تناقض بحسب مفهوم میباشد ولی اگر بردن و نبردن را بر چیزی اعتبار نکنیم بین بردن و نبردن عدول و تحصیل است نه تناقض پس منحصر را باید تناقض را در قضایا دانست

باری عقل حکم میکند که دو ضد یا دو نقیض ممکن نیست جمع شوند و همانگونه که

و هنگامیکه عثمان کشته شد و حضرت علی علیه السلام زمامدار شد عیبدا الله بشام گریخت و معاویه ملحق شد در این باره یکی از شعرای عرب میگوید:

اباعمر و عیبدا لله رهن  
ولاتشكك بقتل الهرمزان  
(کنیه عثمان در جاهلیت اباعمر و بوده است)

«نقل از تاریخ خلفاء»

ولکن صاحب صواعق محرقه از طرف ارباب خود چنین اعتذار میجوید و میگوید چون جفینه نصرانی و دو دختر هر مزان مجوسیه وزن او مجهول الحال و هر مزان هم محرك قتل عمر بود و علماء در قتل، مباشر و محرك را مساوی میدانند و علاوه بر این چون عثمان ترسید که با قتل عیبدا الله فتنه دیگری برخاسته شود لذا خانواده هر مزان را راضی و از قتل عیبدا الله صرف نظر نمود و در اینکار معذور بود ولی صاحب صواعق محرقه متوجه نبود که این عذر بدتر از گناه است